

ضرورت طراحی و اجرای برنامه‌های درسی مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی مشترک جهانی

دکتر صغری ابراهیمی قوام - استادیار گروه روانشناسی تربیتی - دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

در چهل و چهارمین کنفرانس بین‌المللی آموزش و پرورش که توسط انجمن بین‌المللی تعلیم و تربیت در سال ۱۹۹۴ برگزار شد و حدود ۸۰۰ نفر شرکت کننده از سازمان‌های غیر دولتی و ۱۰۲ تن از وزیران آموزش و پرورش به منظور دستیابی به درک بین‌المللی از آموزش و پرورش و تعیین موانعی که در این راه وجود دارد، حضور یافتند. بیانیه نهایی این کنفرانس بر نیاز فوری «تغییر برنامه‌های درسی مدارس و برنامه‌های تربیت معلم» تأکید داشت و علی‌رغم پیچیدگی چالش‌هایی که به دلیل تغییرات سریع فناوری و اطلاعات در جهان به وجود آمده، پیشنهاد شد «فلسفه جدید آموزش و پرورش» که در آن ارزش‌های اخلاقی مشترک در همه کشورها مطرح بوده، مورد ملاحظه قرار گیرد. در آموزش و پرورش قرن بیست و یکم تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز براساس مشترکات بین‌المللی می‌شود که این امر از طریق «مدارس مادام‌العمر» تحقق خواهد یافت. در این نشست خاطر نشان شد که توسعه آموزش و پرورش عامل ضروری برای بنیاد نهادن صلح و مبنای اخلاقیات و پیشرفت بشریت محسوب می‌شود که در آن آموزش و پرورش ایجاد کننده درک بین‌المللی، مشارکت، صلح، حقوق بشر، مردم‌سالاری و آزادی است. در این فرهنگ، حقوق دختر و پسر در دستیابی و دسترسی به آموزش و پرورش برابر است و هیچ تمایز و تبعیضی براساس طبقه اجتماعی، مذهب و حتی توانایی وجود ندارد. از سوی دیگر آموزش به صورت رویکرد بین‌رشته‌ای صورت می‌گیرد (لوسی - مامی نور نکاکی ۱۹۹۶).

فلسفه جدید آموزش و پرورش

تأکید، مجدداً بر ابعاد اخلاقی و فرهنگی قرار دارد که مبنای آن یادگیری برای زیستن است. در آموزش مقدماتی ارزش‌ها ابتدا باید نگرش‌های صلح‌آمیز و مسئولیت‌پذیری توسط والدین ارایه شود؛ زیرا آنان اولین آموزگاران کودک و اولین حلقه ارتباطی فرد با جامعه می‌باشند. پس از آن مدرسه با جو آموزشی، محیط، برنامه‌های درسی و معلم می‌تواند بر روی کودک تأثیر گذار باشد و پس از آن سایر عوامل خارج از مدرسه، رسانه‌ها و ... قرار دارند که می‌توانند موجبات ایجاد و گسترش فرهنگ صلح‌را به وجود آورند (لوسی - مامی نور نکاکی ۱۹۹۶)

چالش‌های آموزش و پرورش قرن بیست و یکم

امروزه آموزش و پرورش با مسائلی و چالش‌هایی روبه‌روست. موضوعاتی همچون دسترسی به آموزش، کارآمدی، کیفیت، جنسیت، تساوی و تناسب آموزش و پرورش مطرح است. همزمان با این چالش‌ها و مسائل، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، تصمیم‌گیرندگان، مربیان، مدیران باید تغییر رویکردهایشان را به آموزش و پرورش ببندند. علاوه بر این، تغییرات دیگری نیز به وجود آمده که نگاه از سیستم به سوی مؤسسات، از درون داده‌ها به فرآیندها و تخصیص منابع، از سطوح عالی به سطوح پایین‌تر آموزش و پرورش، از آموزش پایه به آموزش مادام‌العمر و از معلم به آموزش و پرورش یادگیرنده مدار، معطوف شده است.

سرانجام آنکه فرآیند هماهنگ شدن نظریات یادگیری مورد توجه قرار گرفته است، بدین معنی که از به خاطر سپاری منفعلانه به فعالانه، از رفتار گرایانه به سازنده گرایانه یا تحول‌شناختی یادگیری و اخیراً رویکرد یادگیرنده‌مدار مطرح شده است که در آن هر یک از یادگیرندگان ظرفیت ساختن الگوهای یادگیری خود را دارد و معلم نقش میانجی را ایفا می‌کند، محیط دو جانبه شده و هم مدرسه و هم محیط خارج از مدرسه به عنوان منابع آموزشی تلقی می‌گردند.

اکنون در آموزش و پرورش چالش‌ها و فرآیندهای یادگیری بر «افراد» متمرکز است تا سیستم. علت این تغییر توجه آن است که «افراد» هدف اقتصاد دانان، مربیان و رهبران سیاسی قرار دارد. اقتصاددانان افزایش کمک‌های مالی به آموزش و پرورش و آزادی انتخاب به افراد را کلید کارآمدی بازار می‌دانند. مربیان بر این باورند که یادگیرنده در نهایت تعیین کننده ساخت

دانش براساس زمینه‌های آموزشی خود است و سیاست‌گذاران آموزشی نیز تنها می‌توانند آثار اقداماتشان را بر روی یادگیرندگان ارزیابی نمایند. از سوی دیگر در حقوق بشر نیز توجه به افراد (تمام افراد، کودکان، جوانان، بزرگسالان، مردان و زنان و تمام جهان) است. لذا در این آموزش و پرورش توجه بیشتری به حقوق بشر بالاخص یادگیرندگان مبذول می‌شود.

موانع آموزش و پرورش در تحقق آموزش حقوق بشر

۱- هر چند ممکن است سیاست‌های آموزشی به گونه‌ای طراحی گردد که اصول حقوق بشر در آن پذیرفته شده باشد، اما دسترسی به آموزش و پرورش و پرورش خوب، اکنون به وسیله ملاحظات بازار، امتیازات اجتماعی و نابرابری‌های اقتصادی، فرهنگی و جغرافیایی تعیین می‌گردد (نه براساس بیانیه حقوق بشر).
۲- یادگیری کودک مدار به افزایش خودمختاری و تحول خود^۲ (شرایط بنیادی برای ارتقای اقتصادی و اجتماعی در کل جهان است) منجر می‌شود. همزمان با یادگیری کودک محور، گرایش اساسی به ارزش‌های فردگرایانه (فقدان علاقه به مسایل اجتماعی) و طرد ارزش‌های جهانی (مشخصه فرهنگ حقوق بشر) افزایش یافته است.

۳- تأکید زیاد بر ارزشیابی و برآورد (استانداردها و امتیازات) موجب حمایت از فرهنگ جهانی شدن شده و گزینش و نابرابری‌های ایجاد شده نیز به انکار حقوق اجتماعی و سیاسی بشر می‌انجامد.

برای تغییر این روند، اولویت‌های آموزش و پرورش قرن بیست و یکم دست‌خوش تغییر شده‌اند، به گونه‌ای که مشارکت‌های بین‌المللی گسترش یابد:

۱- چه چیزی برای آموزش و پرورش «اساسی» است؟ ارتباط (سواد)، یادگیری یادگرفتن (تمرکز بر رویکردهای یاددهی-یادگیری)، خودمختاری (تمرکز بر خودآموزی) و ...

۲- حمایت از ارتقای ارزش‌های جهانی در آموزش تمام سطوح تحصیلی: این شرایط اساسی برای جهانی شدن انسانیت^۳ است.

۳- علی‌رغم شک‌گرایی سنتی نسبت به آژانس‌های مشارکتی جهانی، امتیازات فناوری‌های جدید، مورد جدی را برای سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعاتی - ارتباطی در بخش آموزش و پرورش به وجود آورده است.

۴- آخرینکه آژانس‌های مشارکتی جهانی اثر معناداری بر اجرای برنامه‌هایی با ویژگی‌های حقوق بشر داشته‌اند، مانند بیانیه جامتین. در حقیقت در بسیاری از کشورها و ایالت‌ها اقدامات NGO ها موجب گسترش دسترسی به آموزش و پرورش شده است (ژاکو هالاک ۱۹۹۹).

نقش آموزش و پرورش در آموزش حقوق بشر

یادگیری حقوق بشر فرآیند منفعلانه‌ای نیست که دانش‌آموز تحت روش اقتدارطلبانه، بیاموزد. در طی برنامه آموزش حقوق بشر، دانش‌آموزان می‌بایست مورد احترام قرار گیرند و شأن و منزلت آنان به رسمیت شناخته شود. بنا بر این در آموزش حقوق بشر، دانش‌آموزان با استفاده از روش فعال به تفکر درباره خودشان برانگیخته می‌شوند.

در آموزش حقوق بشر به سه حوزه پرداخته می‌شود:

۱- یادگیری دانش و مفاهیم

۲- تمرینات آموزشی و طرح‌های بین‌رشته‌ای

۳- بحث درباره ارزش‌ها

حیطه دانش و مفاهیم:

برای آنکه کودکان از ارزش‌هایشان آگاه شوند، باید مفاهیم زیربنایی آن را درک کنند. بنا بر این مضامین و مفاهیمی که به دانش‌آموزان ارایه می‌شود باید در خورفهم و درک آنان باشد و به نحوی به تجارب روزمره آنان مربوط شود. بسیاری از کشورها، کلاس‌هایی را برای آموزش مدنی و اجتماعی برگزار می‌کنند. چنین کلاس‌هایی بر حقوق بشر، دموکراسی و صلح متمرکز است تا بدین وسیله شهروندی واقعی تربیت شود. آنها جلساتی در خصوص حقوق بشر و ارزش

های جهانی برپا می‌کنند و فرصت‌های مناسبی برای تحلیل روزانه اقداماتی که می‌توان تحت عنوان حقوق بشر مطرح نمود، فراهم می‌آورند.

تمرینات آموزشی و طرح‌های بین‌رشته‌ای:

باید بدانیم آموزش رسمی هر چند که به حقوق بشر تأکید بوزد، نمی‌تواند تمامی نگرش‌های مربوط به حفظ حقوق بشر را به یادگیرنده منتقل سازد. بنابراین معلمان باید فعالیت‌ها و تمرین‌هایی را سازماندهی کنند که به انتقال نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به حقوق بشر بیانجامد. طرح‌های آموزشی در این خصوص عمدتاً طرح‌های بین‌رشته‌ای هستند. این طرح‌ها شامل موضوعات: تاریخی، جغرافیایی - جغرافیای سیاسی، هنرهای دیداری و اجتماعی می‌شود.

بحث درباره ارزش‌ها:

بحث درباره حقوق بشر به بیانیه جهانی ۱۹۴۸ مربوط می‌شود. در بسیاری از کشورها این بیانیه در مدارس متوسطه ارائه می‌شود. بحث‌ها توسط معلم آغاز و سازماندهی می‌شود، زیرا حقوق بشر امری صرفاً ذهنی و هیجانی نیست، بلکه اصولی زیربنایی دارد که مبتنی بر قوانین می‌باشد. لذا در ارائه این مباحث علاوه بر بیان اصول و قوانین باید به تجارب و شواهد فرد فرد دانش‌آموزان توجه شود. آموزش دموکراسی همواره توأم با آموزش حقوق بشر است.

چرا مدارا و تسامح باید آموزش داده شود؟

توسعه آموزشی، شهروندان را برای مشارکت در فرآیندهای توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آماده می‌سازد. در آموزش محیطی، آموزش‌هایی را درباره تهدید محیط‌های طبیعی ارائه می‌دهد و دانش‌آموزان را ترغیب به ارائه پاسخ‌هایی جهت غلبه بر این تهدیدات می‌نماید. اجتماعات بزرگ بسیار گوناگون و متفاوت اند، لذا فرآیندهای اجتماعی ایجاد صلح را از طریق مشاهده حقوق بشر و تمرین مردم‌سالاری تسهیل می‌شود.

مدارا و تسامح: تمامیت حقوق بشر و صلح است:

دبیر کل یونسکو اظهار نمود که: «مدارا و تسامح برای تحقق حقوق بشر و دستیابی به صلح لازم و ضروری است. مدارا و تسامح به این معنی است که افراد حق خود و دیگران را به رسمیت بشناسند و بدان احترام می‌گذارند. مدارا و تسامح عنصر اصلی صلح در بین ملل محسوب می‌شود و جزء مهم فضای تاریخی است که منجر به ارائه بیانیه حقوق بشر گشته است. برای تحقق دموکراسی و مردم‌سالاری لازم است تا افراد حقوق یکدیگر را رعایت و محترم شمرند. فرهنگ صلح مستلزم آموزش برنامه‌ریزی شده و هدایت شده است تا ارزش صلح، حقوق بشر، مردم‌سالاری را که هسته و مرکز آن مدارا و تسامح است، ترویج دهد».

منظور از مدارا و تسامح:

ظرفیت پذیرش عقاید و نظرات افراد دیگر است. در بررسی تعاریف مختلف مدارا و تسامح علیرغم تفاوت‌هایی که دارند تأکید بر تجارب فرهنگی و تاریخی است. آنها بر گوناگونی و تکنوگرایی ارزش‌ها تأکید می‌کنند. عنصر اصلی تعریف مدارا شامل: احترام به حقوق دیگران که "تفاوت از من" هستند محسوب می‌شود. در مدارا و تسامح بر اتحاد و وابستگی متقابل بشر اشاره می‌شود. تمام بشر بر روی یک زمین زندگی می‌کنند و این دیدگاه تسهیل‌کننده دیدگاه تاریخی جهان و آموزش و پرورش است که رویکردهای تدریس مدارا و تسامح را ارائه می‌دهد.

اهمیت نقش معلم در ارائه مباحث مربوط به آموزش حقوق بشر:

هدف آموزش حقوق بشر در مدارس، ایجاد و گسترش نگرش‌های احترام به دیگران و ارتقای سطح حفظ و احترام به قوانین است. کودکان به آسانی از شکاف و تفاوت بین سخنان و رفتارهای بزرگسالان آگاه می‌شوند و همین امر موجب از دست دادن اعتماد به بزرگسالان می‌شود و اعتبار آنچه را که درباره حقوق بشر می‌گویند را مورد تردید قرار می‌دهد. لذا ایجاد رابطه صادقانه در این آموزش ضروری است و تنها راه ممکن برای برقراری ارتباط و تبادل پیام است. اشکال مختلفی برای تبادلات بین فردی وجود دارد که شامل ارتباط غیر کلامی (حرکات بدن)، ابراز خود و گفتگو می‌باشد. این روش‌های ارتباطی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مهارت‌های خود را برای تفکر مستقل و توانایی‌های ابراز خودشان گسترش دهند. توجه به ارتباط غیر کلامی، تماس چشمی، حالات چهره و زبان بدن، معلم را قادر می‌سازد تا به میزان درک و دریافت دانش‌آموزان از آنچه که گفته است پی‌ببرد، آیا آنان خسته و کسل شده‌اند و یا برای انجام فعالیت هدفمندی برانگیخته گشته‌اند. علاوه بر این، در موقع آموزش متقابلاً دانش‌آموزان نیز تنها به جنبه‌های کلامی معلم

توجه نمی‌کنند بلکه جنبه‌های غیر کلامی را نیز در نظر می‌گیرند. اگر صدا و یا حالات بدن معلم وقتی که درباره صلح یا حقوق بشر صحبت می‌کند، پرخاشگرانه باشد، این آموزش اثربخش نخواهد بود. موقعی که معلم درباره چیزی صحبت می‌کند که خودش نسبت به آن باوری ندارد، دانش‌آموزان به راحتی تشخیص می‌دهند. بنابراین می‌بایست هم‌سویی کاملی در حرف و عمل برای کسانی که در خصوص صلح حرف می‌زنند و یا اقداماتی انجام می‌دهند، وجود داشته باشد.

تمرین سؤال و جواب شکلی از ارتباط متقابل است بدین معنی که کودکان به یکدیگر و معلم گوش می‌دهند و معلم نیز متقابلاً این کار را انجام می‌دهد. معلم برای اطمینان از دریافت آنچه که دانش‌آموز می‌گوید می‌بایست حرف‌های آنان را به عبارتی دیگر بازگو نماید. معلم باید به دانش‌آموزان یادآور شود که از آنها انتظار دارد که فکر کنند و عقایدشان را بیان نمایند. از این رو پس از طرح هر سؤال از سوی معلم، وی باید مدتی مکث کند و فرصت اندیشیدن به دانش‌آموزان دهد و سپس پاسخ‌ها را جویا شود. معلمان باید با روش‌های مختلف از جمله بحث و گفتگو، قصه‌گویی و نقاشی گرفته تا بازی، ترانه‌ها، پوسترها و متون برای افزایش درک و یادگیری دانش‌آموزان در خصوص حقوق بشر بهره‌جویند.

نگاهی نو به معلم: قلب فرآیندهای آموزشی

مدارس صرفاً به دلیل معلمانشان خوب می‌باشند. معلم قلب فرآیندهای آموزشی بسیاری است. صلاحیت حرفه‌ای و ظرفیت شخصی معلم، تعیین‌کننده موفقیت هر برنامه درسی است. به دو دلیل اساسی معلم قلب آموزش و پرورش است: نخست آنکه؛ برای دانش‌آموزان تجاربی را ارائه می‌کند که موجب یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. ارزش‌ها، نگرش‌ها، دانش و مهارت‌های معلم تعیین‌کننده جو کلاس و آنچه که در آن اتفاق می‌افتد است. دوم آنکه؛ معلم نیروی لازم را برای یادگیری ارزش‌ها و روابط با دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. در آموزش مدارا و تسامح، آماده‌سازی معلمان بسیار با اهمیت است. تلاش‌های خاصی برای آماده‌سازی معلمان جهت ایفای نقش اساسی آنان در آموزش مدارا و تسامح، حقوق بشر، دموکراسی و صلح توسط یونسکو مطرح شده است. به عنوان مثال مربیان صلح در نیویورک از رهنمودهای زیر برای ایفای نقش معلم پیروی می‌کنند:

معلم: صلح و مدارا و تسامح

- تجلیل از معلم به عنوان سرمشق نقش.
- کسب و کاربرد مهارت‌های مناسب برابرتقای روابط صلح‌آمیز و حل تعارضات.

- تشویق پاسخ‌های خلاقانه در حل مسایل.
- تهیه و تدوین فعالیت‌های مشارکتی و چالشی که ابتکارات و پیشرفت فردی را بیش از رفتارهای پرخاشگرانه یا رقابت‌آمیز تشویق و ترغیب نماید.
- تشویق دانش‌آموزان و مشارکت والدین در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی درسی.

- وارد کردن منابع جامعه در گسترش برنامه‌های یادگیری ارزش‌ها: این برنامه‌ها نسبت به نیازهای جامعه و ادراکات آن حساس و پاسخگو است.
- کسب تفکر انتقادی و درک دیدگاه دیگران در حالی که نسبت به جایگاه و موضوعات مورد بحث خود نیز آگاه باقی می‌مانند.
- تنوع ارزش‌های فرهنگی از طریق فراهم آوردن فرصت‌هایی برای درک و تجربه تفاوت‌های فرهنگی.

• منبع: ژان بوک لند^۷ و اودی جونز^۸ و یواوون دانکن^۹ (مولفین)، آموزش صلح: مرکز منابع تدریس، آکلاند. کالج آموزش و پرورش (۱۹۸۹).

همچنین در آموزش معلمان به ویژه آموزش‌های ضمن خدمت، شیوه‌های اثربخشی برای ارائه آموزش صلح مطرح شده است.

در زیر دیدگاه‌هایی مطرح می‌شود که جزء اصول اساسی برنامه‌های تربیت معلمان برای اشاعه فرهنگ صلح می‌باشد:

- آموزش توأم برای عشق و دوست داشتن
- مطرح ساختن و تأمل کردن بر روی صلح
- درگیر ساختن والدین و جامعه
- تشویق مشارکت

- توجه به اهمیت توانایی، احساس و دیدگاه‌های افراد

این موضوع در مفهوم تنوع فرهنگی به عنوان صفتی انسانی به واسطه رعایت حقوق بشر، حفظ می گردد. این مفاهیم جهانی و متنوع اساسی برای حفظ و تحقق شأن و منزلت آدمی است.

قصه ها موجب می شوند تا کودکان این حقیقت را دریابند که در زمین آب و غذا متعلق به تمامی اعضای بشر است.

در اجتماعاتی که کودکان در آن زندگی می کنند، مشارکت و تعهدات محبت آمیز و احترام به دیگران ضروری است. معلم با داستان گویی و یا خواندن کتاب مطابق با درک کودکان مفهوم مشارکت و ارتباط مؤدب آمیز را مطرح می سازد. این امر زمینه ساز روابط انسانی بین کودکان می شود (تمام بشر، یونسکو ۱۹۹۸).

آموزش مدارا و تسامح در دوران ابتدایی:

در دوره ابتدایی که کودکان ۷ تا ۱۲ سال حضور دارند باید ماهیت مدارا و تسامح به عنوان یک ارزش فردی به صورت، تمرین رفتاری و تعهد اجتماعی آموزش داده شود. باید کودکان برخی از اصول مدارا و تسامح را دریابند و بفهمند. مانند گونه گونی و تنوع انسان ها که به عنوان شرایط غنا بخش به زندگی باید مطرح باشد. تعارض به عنوان فرآیندهای طبیعی تلقی شود که به طور سازنده قابل اداره شدن است. همچنین مسئولیت اجتماعی و ظرفیت بشر برای تأمل و کاربرد هنجارهای اخلاقی در تصمیم گیری های فردی و اجتماعی به عنوان اساس مردم سالاری (دموکراسی) محسوب می شود.

بنابراین در اینجا فعالیت هایی مطرح می شود که به گسترش ظرفیت درک و کاربرد این اصول اساسی بیانجامد.

در فرآیند آموزشی آنچه با اهمیت است فرآیندهای اجتماعی و جنبش هایی است که تغییر از فرهنگ خشونت به فرهنگ صلح را ترویج و تقویت می کنند. در اولین قدم آموزش باید عناصر مدارا و تسامح را در اجتماعات مورد بررسی قرار داد و نتایج و آثار آن را که در مدرسه قابل مشاهده است مطرح نمود (رادون ۱۹۹۷).

رفتار عدم مدارا و تسامح در مدارس ابتدایی:

معلمانی می توانند با استفاده از نشانگرهای عدم مدارا و تسامح، شرایط و جو کلاس خود را مورد ارزیابی قرار دهند. این نشانگان به عنوان شرایط اجتماعی تعریف می شود. اما در این بحث نشانگان رفتاری عدم مدارا و تسامح مطرح خواهد شد. معلمانی که به سطحی از اعتماد و اطمینان در بین دانش آموزان دست یافته اند می توانند از این نشانگرها برای بحث های آگاهی دهنده در خصوص ماهیت و پیامدهای چنین رفتارهایی که در بین بسیاری از کودکان رواج دارد بدون آنکه از معنای کامل اقدامات خود و نتایج آن مطلع باشند استفاده نمایند.

این بحث ها می تواند در قالب مسئولیت اجتماعی مطرح شود و دانش آموزان را قادر به تفکر و تأمل پیرامون نتایج اعمالشان بنماید و این گامی اساسی در مسئولیت پذیر ساختن آنها می باشد.

تمامی نشانگان عدم مدارا و تسامح به یکباره بین دانش آموزان مشاهده نمی شود بلکه از موقعیتی به موقعیت دیگر از فرهنگی به فرهنگی دیگر، از کشوری به کشور دیگر و حتی از کلاسی به کلاس دیگر فرق می کند. در برخی موارد ممکن است معلم تمامی نشانگان مطرح شده را ملاحظه نماید.

برخی از نشانه های عدم مدارا و تسامح و سؤالاتی که ماهیت آن ها را روشن می سازد عبارتند از:

- زبان: آیا کودکان به همدیگر اسامی خاصی می دهند یا نه؟ یا نژاد یا قومیتی را تحقیر می کنند؟ و یا از اصطلاحات زشتی برای توصیف یا معرفی عضو یا اعضای از کلاس استفاده می کنند؟

- کلیشه ها: آیا کودکان اصطلاحات منفی را درباره گروه های نژادی، قومی، معلولان، کهنسالان و یا سایر افراد متفاوت از خودشان به کار می برند؟

- سر به سر گذاشتن: آیا کودکان مترصد آزار دادن دیگران از طریق توجه به برخی از ویژگی های فردی، اشتباهات، شرایط زندگی، خانواده یا دوستان همدیگر هستند؟

- پیش داوری: آیا کودکان فکر می کنند که برخی از آنان که متعلق به نژاد یا قوم خاصی هستند و با ویژگی های فردی ویژه ای دارند، ناتوان و کم ارزش می باشند؟ آیا کودکان سایر مذاهب را برای همبازی بودن و رفاقت مناسب نمی دانند؟

- مزاحمت: آیا بعضی از کودکان با اجحاف و زور گویی سایر کودکان

- خلق حس اخلاقی عدالت

- کاهش خشکی و عدم انعطاف در سلسله مراتب ارتباطات

- دموکراسی در کلاس و آموزش آزادانه

- دوری جستن از اقتدارگرایی و تسلط طلبی

- گفتگو، درک و توافق نظر

- تدریس مشارکت

- برای دانش آموزان و جامعه سرمشق باشد. نشان دادن اینکه احتمال برقراری صلح واقعییتی ممکن است.

- پرورش مدارا، تسامح و صداقت

- دانستن نحوه گوش دادن

- آنچه را که انجام داده است دوست بدارد

- بیان ارزش پیوندهای عاطفی و هدایت عواطف دانش آموزان

- آرایه فرصت هایی برای حل مسئله به دانش آموزان

منبع: بلانکا ناواز، دی اریارتی. مقاله آرایه شده در برنامه فرهنگ صلح یونسکو (۱۹۹۴)

در آموزش و پرورش قرن بیست و یکم تأکید بر همزیستی
مسالمت آمیز بر اساس مشترکات بین ملل می شود که این امر
از طریق "مدارس مادام العمر" تحقق خواهد یافت

آموزش حقوق

بشر در مقاطع مختلف تحصیلی:

اهمیت آموزش صلح در مدارس ابتدایی:

در مدارس ابتدایی، گسترش نگرش های احترام آمیز نسبت به شأن و تفاوت انسان ها بسیار با اهمیت است. این نگرش ها، اساس مفاهیم و اصول حقوق بشر است. ارتباط بنیادی بین حقوق بشر و مسئولیت پذیری باید در تمام مقاطع تحصیلی مطرح شود. اگر این قاعده رعایت شود می توان از حوزه های مختلف در ترسیم و توصیف مفاهیم حقوق بشر استفاده نمود.

دانش مربوط به دنیای طبیعی با علوم اجتماعی، ادبیات و هنر پیوند دارد. موضوعات این دروس مستقیماً و به وضوح پیچیدگی اکولوژی زمین، مناطق و نواحی مختلف آن را نشان می دهد. کودکان درباره اکوسیستم و مشخصه های ویژه جغرافیایی که در شهر یا روستایشان دارند، مطالبی را می آموزند. معلم می تواند وابستگی زندگی انسان ها را به مسئولیت یکدیگر آنها در حفظ محیط طبیعی شان نشان می دهد. در حالی که کیفیت محیط زیست وابسته به مسئولیت انسان و سلامتی وی در گرو محیط است. ما در یک ارتباط وابسته به هم در محیط مان زندگی می کنیم. این ارتباط متقابل و وابسته به یکدیگر دو ویژگی حقوق بشر را مطرح می سازد که منعکس کننده نیازهای انسان و وابستگی آنها به مسئولیت بشر است. در نتیجه ما به مفهوم حق داشتن محیطی سالم و متعادل می رسیم.

درس هایی در باره تفاوت بین انسان ها برای درک عدالت و احترام به زندگی جمعی بسیار مهم است و می توان از کلاس های پایینی آن را آغاز نمود. معلمانی می توانند نشان دهند چگونه محیط متعادل و متوازن، اشکال مختلف زندگی را افزایش می دهند. هر فردی به شیوه خاصی زندگی می کند اما برای حفظ اجتماع و رفیع نیازهایمان، می بایست حقوق یکدیگر را رعایت کنیم. رفیع نیازهای اجتماع برعهده افراد آن است:

دانشمندان ابزارها را طراحی می کنند و مسایل خاصی را حل می کنند، آنهایی که هنرمند و یا آهنگساز هستند کارهایی را خلق می کنند که پاسخگوی نیازهای زیبایی شناسی است. تمامی این افراد علیرغم تفاوت شان، از اصول حقوق بشر پیروی می کنند. معلمانی می توانند تفاوت های بین گروه های مختلف و یا کشورهای مختلف جهان را توضیح دهند. انسان ها آداب و رسوم و زبان های متفاوتی دارند، زیرا از لحاظ جغرافیایی و تاریخی دارای محیط متفاوتی هستند. این تنوع در هویت و تجارب بشری، امتیاز بزرگ بشر به عنوان یک کل است. این امر، افراد را قادر می سازد تا راه های متفاوتی را برای رسیدن به اهداف مشابه و رفیع نیازهایشان دنبال کنند.

وقتی این نظرات آرایه می شود، معلمانی می توانند با بیان قصه، مثال، درس های تاریخ و جغرافی دانش آموزان را به کشف راه های مختلفی که بشر تاکنون برای رفیع نیازهای مشترک خود استفاده نموده، ترغیب نمایند.

راز صف بیرون می گذارند؟ یا از آنها کاریکاتورهایی آزار دهنده روی میز یا کتاب‌هایشان می کشند؟ و یا با رفتارهای دیگری که با هدف هماهنگ ساختن فرد با گروه انجام می دهند، آنان را تحت فشار قرار می دهند و در صورت عدم هماهنگی آنها را از گروه اخراج می کنند؟

- مخدوش یا معیوب ساختن: آیا برخی از کودکان عمداً با نوشتن شعار بر روی دیوار یا پاشیدن رنگ بر روی وسایل، بی حرمتی یا قصدشان را برای صدمه زدن به اموال یا کارهای سایر بچه‌ها نشان می دهند؟

- قلدری: آیا برخی کودکان تمایل دارند به طور عمدی کودکان کوچکتر یا ضعیف تر را با استفاده از جایگاه اجتماعی آنان مرعوب کنند و یا آنها را وادار به آنچه که می خواهند کنند؟

- اخراج: آیا برخی از کودکان از تیم یا انجمن یا کارهای گروهی به شکلی ناعادلانه یا خوارکننده گذشته می شوند؟

- محروم سازی: آیا برخی از کودکان دائماً بازی‌ها، انجمن‌ها یا فعالیت‌های خارج از مدرسه بیرون انداخته می شوند؟

- جداسازی: آیا دانش‌آموزان تمایل به گروه‌ها و اجتماعاتی دارند که عمدتاً از گروه‌های نژادی، مذهبی، قومیتی و جنسیتی هستند؟

- سرکوب: آیا برخی از کودکان با اجبار یا به طرق مرعوب کننده مانع از شرکت سایر دانش‌آموزان در بحث‌های کلاسی و یا بیان افکارشان در ارتباطات متقابل اجتماعی با هم‌تایان‌شان می شوند؟

- تخریب: آیا برخی از دانش‌آموزان با گلاویز شدن و کتک کاری با سایر کودکان به آنان صدمه و آسیب می رسانند؟

این ارزشیابی کلی از احتمال عدم مدارا و تسامح در روزهای نخست سال تحصیلی مفید واقع می شود. به هر حال معلمان باید از تظاهرات این نشانگان آگاه باشند. باید از سرزنش اقدام کننده در جلوی کلاس اجتناب کنند. همچنین از همدلی یا قربانی پرهیز نمایند. در پاسخ به این مسایل باید آموزش واحد مربوط به مدارا و تسامح آغاز شود تا دانش‌آموزان از اشکال مختلف عدم مدارا و تسامح آگاه شوند و به انواع شیوه‌های غیر تهدید آمیز آشنا گردند. وقتی با این نشانگان در کلاس خاصی برخورد می شود معلمان باید بر روی رفتار و پیامدهای آن تمرکز داشته باشند. صرفاً نباید به قربانی و به اقدام کننده توجه شود. تمرکز در ابتدا بر مشکل قرار دارد سپس بر روابط نه بر افراد درگیر با همدیگر. تا وقتی که درک کافی در دانش‌آموزان برای آنکه بتوانند مسئولیت اقدامات خود را بپذیرند به وجود نیاید این کار ادامه خواهد یافت. دانش‌آموزانی که مستقیماً درگیر در مسئله هستند به همراه سایر همکلاسی‌هایشان باید بر پیامدهای واقعی و بالقوه آن اعمال فکر کنند. بنابراین می توان از دانش‌آموزان خواست تا پاسخ‌های مناسب و درست را گسترش دهند. باید به قربانی و اقدام کننده کمک کرد تا به مسئولیت‌های خود آگاه شوند و روابط بهتری را با یکدیگر بوجود آورند. تمرین حل تعارضات می تواند مفید واقع شود (رادون ۱۹۹۷).

توسعه آموزش و پرورش عاملی ضروری برای بنیاد نهادن صلح و مبنای اخلاقیات و پیشرفت بشریت محسوب می شود که در آن آموزش و پرورش ایجاد کننده درک بین‌المللی، مشارکت، صلح، حقوق بشر، مردم‌سالاری و آزادی است

ارتقای ظرفیت مدارا و تسامح در معلمان

معلمان باید به ظرفیت مدارا و تسامح خود بیافزایند. افراد اندکی وجود دارند که همیشه اهل مدارا و تسامح باشند. همه انسان‌ها ممکن است تحت شرایطی شکیبایی و مدارا خود را از دست بدهند. معلمان باید به این نکته توجه داشته باشند چنین برخوردهایی چنانچه با کودکان دوره ابتدایی انجام شود می تواند موجب انزوا و بروز مشکلات رفتاری شود و بر عزت نفس و تمامیت فردی دانش‌آموز تأثیر سوء به جای گذارد. متأسفانه معلمان به عنوان یک گروه در مقابل عدم مدارا و تسامح مصونیت ندارند. زیرا چنین واکنش‌هایی می تواند در شرایط خاصی از معلم سر بزند و دانش‌آموزان را متأثر سازد. این امر نتایج معناداری به دنبال خواهد داشت. لذا تمامی معلمان باید از رفتار و نگرش خود آگاه و به آن حساس باشند. تمامی کارکنان مدرسه می توانند از همدیگر

برای اقدامات مدارا نگرانه و محترم شمردن حقوق همدیگر و دانش‌آموزان فعالانه تلاش کنند. بسیار مهم است که معلمان به صورت قاضی و داور رفتار نکنند. آنان به جای سرزنش عدم مدارا و تسامح باید تقویت کننده مدارا و تسامح باشند. معلمان می توانند در توصیف نشانه‌های عدم مدارا و تسامح رفتار خود را در کلاس در سبب مایند. وجود گروه‌های دو یا سه نفره از همکاران و معلمان می تواند به تقویت روحیه مدارا و تسامح در مدرسه منجر شود. معلمان باید به کلیه نشانه‌های قربانی ساختن، پیش دآوری و قضاوت به عنوان انعکاسی از رفتار خود در کلاس توجه داشته باشند و به کشف این نگرش‌ها و ترغیب به مقابله با آنها بپردازند (رادون ۱۹۹۷).

ویژگی‌های کلاس‌های توأم با مدارا و تسامح:

در حالی که کودکان نیاز به رهنمودهایی برای تشخیص عدم مدارا و شکیبایی دارند، معلمان باید ویژگی‌های کلاس‌های توأم با مدارا و تسامح را نیز تعریف کنند. این نشانگرها به معلمان کمک می کند تا اهدافی را تعیین و پیشرفت مدارا و تسامح را در کلاس بسنجند.

نشانگرهای مدارا یا تسامح:

- زبان: کودکان از کلمات زشت یا رکیک استفاده نمی کنند و نسبت به زبان‌های دیگر و کسانی که به آن زبان صحبت می کنند حرمت و احترام قائل می باشند. آنها به کودکانی که در حال آموختن زبان هستند کمک می کند.

- مقررات کلاسی: با تمامی کودکان به طور مساوی رفتار می شود و به آنها فرصت داده می شود و ترغیب می شوند در تمام دروس و فعالیت‌ها شرکت کنند و در صدد مشارکت، همکاری و ایجاد جو مناسب برای یادگیری باشند.

- روابط اجتماعی: معلمان و شاگردان با یکدیگر به صورت احترام آمیز و صمیمانه رفتار می کنند.

- تصمیم‌گیری: وقتی درباره موضوع یا مسئله‌ای نیاز به تصمیم‌گیری وجود دارد با تمامی دانش‌آموزان مشورت شده و آنان را تشویق به ارائه نقطه نظر آشنایان می نمایند. دانش‌آموزان فرصت‌هایی برای بحث و تعیین تعداد موضوعاتی که می تواند به بالندگی آنها کمک کند، دارند.

- روابط اکثریت - اقلیت: کودکان تمامی گروه‌ها بویژه اقلیت‌های فرهنگی، مذهبی، قومیتی و زبانی با احترام با معلم و همکلاسی‌هایشان رفتار می کنند. کودکان فرصت دانستن و یاد گرفتن از اقلیت‌های حاضر در جامعه‌شان را دارند خواه معلم باشد یا همکلاسی آنان. بنابراین باید تجارب و دیدگاه‌های سایر اقلیت‌ها در برنامه‌های درسی لحاظ شود.

- رویدادهای خاص: در جشن‌های مدرسه، روز والدین (مادر یا پدر) و سایر ایام خاص باید تمام کودکان از گروه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی، قومیتی و زبانی به طور مساوی فعالیت نمایند.

- فعالیت و رویدادهای فرهنگی: ایام تعطیلات خاص گروه‌های فرهنگی در مدرسه یا کلاس مطرح شود و تا حد امکان در جشن‌های آنان سایر اعضای کلاس یا معلم شرکت جوید. احترام به اعتقادات مذهبی دیگران باید توسط همگان به رسمیت شناخته شود.

- مشارکت‌های بین گروهی: یادگیری مشارکتی و کار گروهی باید مرتباً تمرین شود. معلم مطمئن شود که بخش اعظم این کارها تا حد امکان در گروه‌هایی که اکثریت فرهنگ‌ها حضور دارند انجام شده است.

وقتی اکثر این ویژگی‌ها وجود داشته باشد می توانیم ادعا کنیم که مدارا و تسامح در همه مدارس وجود دارد. کودکان هر روز ساعتی را در مدرسه صرف می کنند و در آنجا می توان فرهنگ صلح را مطرح نمود. کودکانی که فرهنگ صلح را تجربه می کنند بیش از کودکانی که فرهنگ خشونت را آموخته‌اند قادر به حفظ صلح می باشند. یادگیری و رشد اجتماعی در این حوزه باید به عنوان فرآیندی مداوم با تجارب آموزشی مورد حمایت قرار گیرد.

هفت حوزه یادگیری مدارا و تسامح:

- مدارا: فرآیندی است که در طی آن کودکان به مفهوم شأن و منزلت بشر آگاه می شوند و اینکه هیچ یک از ما تحت انقیاد و تسلط فرد دیگری قرار ندارد و هر فرد عضوی از فرهنگ خود محسوب می شود.

- آشنایی: معلمان باید مطمئن شوند که تمام دانش‌آموزان با دانش‌آموزان دیگر آشنایی باشند. در خلال بازی‌هاست که اعضای کلاس با هم آشنایی می شوند.

- احترام به تفاوت‌ها: مشاهده تنوع اعضای کلاس راه مناسبی برای گسترش یادگیری مدارا و تسامح است.

- قبول ویژگی‌ها: دانش‌آموزان نیاز دارند تا تفاوت و تنوع بین اعضای بشر را

مشارکت در اجتماع بدون خشونت (صلح)	راه های بدیع در پاسخ سازنده به تفاوت ها و تعارضات بشری	تعارضات مهم بحث و گفتگو؛ حل تعارضات، بازسازی اجتماعی، مشارکت در حل تعارضات و دستیابی به پیشرفت	بحث های شفاهی و نوشتاری در توصیف راه حل های جانشین، انتخاب یکی از آن راه حل ها، بیان دلایل انتخاب رویه های برانگیزاننده حل تعارضات و رویکردهای آشتی جویانه
-----------------------------------	--	--	--

برنامه های درسی مبتنی بر مدارا و تسامح در مدارس ابتدایی

در مدارس ابتدایی در بین موضوعات درسی دروس عمومی و خاص باید تأکید بر وابستگی های درونی و متقابل باشد. تأکید بر وابستگی های درونی و وابستگی های متقابل، موضوعات مختلفی را برای مطالعه به طور عمیق فراهم می آورد که می توان با استفاده از فرآیند یادگیری مشارکتی تسهیل نمود. بدین شکل که تکالیف بین شاگردان و یادگیرندگان به طور گروهی و مشترک تقسیم می گردد. یادگیری مشارکتی بر خورد با موضوعات را آسان می سازد. تشویق به مشارکت به صورت انجام تکالیف افراد را قادر می سازد تا بر خورد خود را در سطوح پیچیده تنظیم کنند. این امر حتی در مقطع ابتدایی قابل انجام است. در این مقطع موضوعات خاصی برگزیده می شود که به تدریج ظرفیت افراد را برای بر خورد با دشواری ها و پیچیدگی ها افزایش می دهد. با انتخاب موضوعات مرتبط، نزدیک و مانوس به تجارب کودکان و تأکید بر تنوع تجارب و رویکردها، معلمان ابتدایی می توانند انجام کار گروهی در خصوص بر خورد با پیچیدگی ها و دشواری ها را در سطح دوم کارشان قرار دهند. با گسترش حوزه های یادگیری مدارا و تسامح، آموزش صلح شامل مجموعه ای از موضوعات پیچیده می شود.

با استفاده از روش مشارکتی و روش های تدریس آزمایشی (تجربی)، معلمان می توانند دانش آموزان را نسبت به فرآیندهای سازگاری حساس سازند و بدین شکل آنان را قادر سازند که تغییرات را به همان اندازه پیچیدگی ها درک کنند و آنها را بشناسند. این فرآیندهای مشارکتی برای دستیابی به مدارا، تسامح و صلح ضرورت دارد این درک بر اساس گسترش ظرفیت و تعهد به مشارکت در چنین فرآیندهایی که به عنوان یکی از شیوه های تمرین مسئولیت اجتماعی محسوب می شود، حاصل خواهد شد.

به هر حال، مهمترین جنبه یادگیری مشارکتی این است که کودکان ارزش مشارکت را در حالی که به آنان فرصت تمرین مهارت های مشارکتی جویانانه داده می شود درمی یابند و می آموزند. این امر آنان را قادر می سازد در شرایط اضطراری رفتارهای سازنده ای را به عنوان شهروند برگزینند. معمولاً داشتن چنین مهارت هایی برای اینکه شیوه های حل تعارضات و مذاکره که از مبانی فرآیند مردم سالاری می باشد، تحقق یابد، ضروری است زیرا مردم سالاری بدون مهارت های مشارکت طلبانه ممکن نیست.

مهارت های مشارکت طلبانه را می توان در زمینه های مختلف مطرح نمود. یادگیری برقراری ارتباط و کار سازنده با کسانی که متفاوت از ما هستند یکی از اهداف مهم زندگی با گوناگونی ها و تنوع ها تلقی می شود. وقتی گروه های یادگیری مشارکتی شکل می گیرند، معلم باید به ترکیب متنوع گروه ها توجه داشته باشد، به گونه ای که کودکان هم تجربه کار گروهی پیدا کنند و هم "غریبه ها" را درک و آنان را نیز بپذیرند. بسیاری از فعالیت های پیشنهادی را می توان به صورت فرآیند یادگیری گروهی ارائه نمود. یادگیری مشارکتی به طور اثر بخشی یکی از اهداف یادگیری در یادگیری مدارا و تسامح می باشد، زیرا چنین یادگیری منجر به هدایت تعارض به شکل سازنده می شود.

از آنجایی که تعارضات یکی از ویژگی های بارز جوامع می باشد و حاصل تجارب انسانی است، لذا کسب مهارت های بر خورد با تعارضات یکی از اهداف عمده یادگیری مدارا و یکی از سه مقوله فعالیت های یادگیری محسوب می شود. هدف های دروسی که به دانش آموزان آموزش داده می شود باید ارزش های غیر خشونت آمیز، درک شیوه های مناسب رفتار و حل تعارضات به طور کاملاً سازنده را ارائه دهد.

اختلاف (تعارض) و تنوع از ویژگی های عمده جوامعی است که کودکان در آن رشد می یابند. اگر آنها زندگی کردن با تفاوت ها و تنوعات را نیاموزند، ممکن است در اثر تعارضات، اختلافات و درگیری ها بمیرند. اکنون آموزش و پرورش با موضوع زندگی و مرگ روبه روست. یکی از هدف های عمده تدریس مدارا و تسامح این است که کودکان ما را قادر سازد تا با گوناگونی ها و تنوعات

بیاموزند. مقایسه تفاوت های بین گروه ها و اشخاص به این امر کمک می کند. تمام افراد بشر اعضای یک نوع هستند و تمامی آنها منحصر به فرد می باشد. اما از طرفی همه آنها اعضای یک خانواده محسوب می شوند.

منزلت قابل شدن به عنوان اصل ارتباط با دیگران: به کودکان باید فرصت هایی برای کشف ویژگی های خاصی که آنها را متفاوت از دیگران می سازد، فراهم نمود تا استعدادها و ظرفیت های خاص خود را بشناسند و در یادگیری مشارکتی آن را ارتقا بخشند.

ارتباطات دو جانبه مبنایی برای تلاش های مشارکتی: کودکان می توانند با حل مسئله به طور مشارکتی آشنا شوند و نسبت به اینکه چگونه هر فردی می تواند به طریق خاصی مسایل خود را حل و رفع نماید، آگاه شوند.

فرهنگ صلح: مبنای این فرهنگ همان مدارا و تسامح است و کودکان با آشنایی با ابعاد مختلف این فرهنگ قادر به برقراری ارتباط سازنده و مناسب با دیگران می گردند.

هدف آموزش و پرورش آماده ساختن شهروندانی ماهر و آگاه می باشد که قادرند به راحتی با یکدیگر کار کنند و ظرفیت های خود را ارتقا بخشند. لذا آموزش مدارا و تسامح گامی در این جهت است.

مفاهیم ارزش	هدف: مدارا و تسامح	مشکلات: عدم مدارا و تسامح	فرآیندهای مدارا و تسامح
صلح	گفتگوهای مدنی:	خشونت؛ جسمانی، ساختاری، فرهنگی، روان شناختی	پاسدار صلح و سایر ابزارهایی که محدودکننده خشونت و جبران کننده پیامدهای مخرب آن است.
تنوع فرهنگی	جنسیت گرایی، نژادگرایی، فقر، تجاوز، پیشداوری، تبعیض، عنادورزی، تخریب محیط	همکاری های بین فرهنگی، گفتگوهای بین مذاهب، حقوق انسانی، محافظت از محیط زیست، توزیع مناسب منابع، توسعه مناسب	مذاکره، میانجی گری، راه حل های رفع اختلافات بدون کاربرد خشونت
حقوق بشر	تعدد فرهنگی، تنوع مذهبی، تکرارگرایی سیاسی	برابری اقتصادی	عدالت اجتماعی
مردم سالاری	عقاید، فلسفه و سیاست های چندگانه بحث در خصوص سیاست دولت، دسترسی راحت و آزادانه به اطلاعات	وجود موانع برای مشارکت سیاسی، ابتکار، آزادی اساسی، سانسور و دستکاری اطلاعات عمومی	بحث های سیاسی آزاد و صادقانه، تصمیم گیری مشارکتی و مسئولیت رسانه ها در قبال ارائه آزاد اطلاعات دولتی و غیردولتی

در این بخش نمونه هایی از مفاهیم ارزش با هدف مدارا و تسامح مطرح می شود که مشکلات عدم مدارا و تسامح و فرآیندهای مدارا را روشن می سازد.

مدارا و تسامح چارچوب مفهومی اهداف و مسایل اجتماعی

ارزش ها	دانش	ظرفیت ها و مهارت ها	اساس ارزشیابی
منزلت انسان (حقوق بشر)	تنوع موضوعات انسانی، هویت های فردی و فرهنگی و اجتماعی	زندگی با گونه گونی ها مشارکت های بین فرهنگی، استفاده از معیارهای حقوق بشر در قضاوت نمودن	عمل به وظایف بین فرهنگی واقعی، کاربرد معیارهای حقوق بشر در موارد خشونت
عدالت اجتماعی	اشکال چندگانه فرآیندهای دموکراتیک و دولتی	تمرین مسئولیت ها تفکر انتقادی؛ انتقال حقایق و عقاید؛ تصمیم گیری های سیاسی	ارایه تفسیر نمونه هایی از شرایط و توصیف مسایل و راه حل های سیاسی، ارایه دلایلی برای جایگاه های سیاسی

حقوق بشر، اصول و معیارهای بیابیه ها و پیمان نامه های حقوق بشر در طول تاریخ در این بین مبحث بسیار مفید واقع می شوند.

رویکردهایی چند برای تدریس مقاطع زمانی تاریخ دنیای مدرن از طریق ارایه موضوعاتی درباره حقوق بشر و نمونه هایی از خشونت ممکن می باشد. برای مثال در قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم در کشورهای اروپایی و امریکایی حقوق سیاسی و مدنی مطرح شد. باید به این نکته توجه داشت که پیشرفت این معیارها و اصول در تاریخ سیاسی و فلسفه هایی که موجب انقلابات اساسی در بین سال های ۱۷۷۶ و ۱۹۱۷ صورت گرفت، جای دارد. به طور مشابه تاریخ و انقلابات صنعتی و سایر جنبش های اجتماعی مطرح را می توان در موضوعاتی مرتبط با حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی قرار داد.

مطالعه جنگ جهانی اول و دوم نیز به درک بهتر دانش آموزان از عوامل مؤثر در حفظ و یا زیر پا گذاشتن حقوق بشر کمک می کند.

آموزش مدنی:

آموزش مدنی موضوع مناسبی برای آغاز بحث هایی درباره حقوق بشر است و می تواند زمینه ای را برای مطالعه تفصیلی ابزارهای بین المللی فراهم آورد و به مسئولیت ها و حقوق مدنی اشاره نماید.

موزیک:

آموزش هنر در اشکال مختلف در تمام سطوح موضوع مناسبی برای آموزش حقوق است. موزیک و ترانه های محلی را می توان برای آگاهی از تاریخ تلاش های محلی برای دستیابی حقوق بشری ارایه نمود. دانش آموزان می توانند حوادث تاریخی معروف را که موجب کارهای مشهور شده و گروه های اجتماعی که آنها را تولید کرده اند، مورد تحقیق قرار دهند.

هنرهای تجسمی (دیداری):

دانش آموزان می توانند با بررسی کارهای کلاسیک یا معاصر دیدگاه های هنرمندانی را که خالق این آثار بوده اند درک کنند و به روش هایی که آنان برای بیان عقاید و احساساتشان در آن به کار گرفته اند، پی ببرند. معمولاً خود دانش آموزان نیز می توانند حقوق بشر را از طریق نقاشی، نمایش و ... ارایه نمایند.

علوم طبیعی:

وقتی ترکیب و مشخصه های آب مورد بررسی قرار می گیرد، معلم می تواند اشاره کند که دسترسی به آب نوشیدنی به عنوان یک نیاز اساسی به عنوان "حق آب" معرفی نماید. شیوه های دسترسی به آب را می توان در پرتو حقوق سیاسی و اجتماعی توضیح داد. در بسیاری از مناطق روستایی زنان و دختران مسئول حمل آب در مسافت های طولانی هستند و این کاری سخت و مشقت بار برای آنان محسوب می شود. این موقعیتی است که حق فراغت و استراحت را از دختران جوان سلب می کند و مانع از مدرسه رفتن آنها می شود.

شیوه های جلوگیری از قلدری در مدارس متوسطه

... آگاه باشید که زورگویی و قلدری به راحتی قابل تمیز و تشخیص است.
... با همکاران در باره دامنه پاسخ ها در قبال چنین موقعیت هایی صحبت کنید و اثربخش ترین آنها را هر چه زودتر برگزینید.
... بروی گسترش روابط انسانی صمیمانه و حمایتی بین شاگردان و معلمان کار کنید.

... بر ارزش شأن و منزلت انسانی و آموزش حقوق بشر تأکید بورزید.
... میزان آگاهی از ماهیت و پیامدهای خشونت و تهدید را در کلاس درس بالا ببرید.

... میزان آگاهی و منزلت مفاهیم و مهارت های بدون خشونت را ارتقای بخشید.
... مهارت های حل مسئله و حل تعارضات را آموزش دهید.
... پیوند بین معلمان و والدین و بین مدرسه و جامعه را تقویت کنید. به خاطر داشته باشید قلدری مشکل فردی نیست بلکه چالش اجتماعی است.

رفتار (قربانی)

... اکثر اوقات تنهاست.
... قادر به مشارکت با همکلاسی هایش نمی باشد.
... معمولاً در خلوت، گریه می کند.
... اغلب اوقات فراموش می کند وسایلی را از خانه به مدرسه آورد.
... تمایل چندانی به مطالعه ندارد.
... مقدار پول قابل توجهی را از خانواده می گیرد.
... مکرراً دیر به کلاس می آید.

زندگی کنند و از آن سود جویند و به سمت تکثرگرایی پیش روند. اکنون آموزش باید به سمت ایجاد "فرهنگ صلح" جهت گیری شود. برای دستیابی به هدف های یادگیری مدارا در آموزش و پرورش بویژه مسئولیت پذیری اجتماعی، باید فعالیت ها و درس ها با تأکید بر حق انتخاب تدوین شود و با رفتار قومیتی براساس اصول اساسی حقوق جهانی بشر برخورد شود، (رادون، آموزش مدارا و تسامح در مقطع ابتدایی ۱۹۷۷، یونسکو).

اهمیت آموزش صلح در مدارس متوسطه:

در مدارس متوسطه فرصت های زیادی برای بحث در خصوص حقوق بشر فراهم می آید. بیابیه جهانی حقوق بشر و پیمان نامه حقوق کودکان باید به طور منظم ارایه شود، نمایشگاه هایی با موضوع صلح برگزار گردد و مورد مطالعه قرار گیرد.

درس های تاریخ، جغرافیا و مدنی فرصت هایی را برای سازماندهی تبیین های بین رشته ای فراهم می آورد و موجب تقای بحث ها می شود. آموزش حقوق بشر می تواند در اکثر موضوعات درسی در مدرسه مطرح شود. در زیر مثال های چندی در خصوص موضوعات حقوق بشر عنوان شده که می توان با موضوعات مختلف هماهنگ نمود (به نقل از کتاب تمام بشر، یونسکو ۱۹۹۸).

ریاضیات:

ریاضیات به ویژه موضوع مناسبی برای روشن ساختن مسایل اقتصادی و حقوق اجتماعی، از حقوق فرهنگی مشخص گرفته تا حقوق خاص مربوط به کودکان است در این مبحث می گنجد.

در ارتباط با حقوق فرهنگی می توان از آمار باسوادان، نرخ ثبت نام و میزان دسترسی به آموزش عالی با استفاده از میانگین ها و نمودارها صحبت نمود. مقایسه بین مردان و زنان مثال خوبی از این حقیقت است که جنسیت می تواند مانعی برای دستیابی کامل به این حقوق گردد.

معلمانی می توانند نشان دهند که حقوق فرهنگی محصور در حقوق اقتصادی و سیاسی می باشد. آمار سازمان ملل و سازمان های وابسته به آن مانند یونسکو یا صندوق جهانی کودکان (یونسف) یا سازمان جهانی کار یا سازمان بهداشت جهانی می توانند برای این منظور مورد استفاده قرار گیرند. حقوق اقتصادی همچون حق کار کردن و حق داشتن دستمزد را می توان با مقایسه و تحلیل نمودارهای اشتغال و بیکاری را بر حسب جنسیت و یا عضو گروه اقلیت بودن، مورد بررسی قرار داد.

علوم رایانه ای:

در این زمینه، معلم می تواند مفهومی از حقوق بشر را انتخاب کند و از طریق اینترنت، اطلاعات مربوط به آن را جستجو کند. دانش آموزان نیز می توانند کشوری را انتخاب کنند و وضعیت حقوق بشر را در آن مطالعه کنند. وقتی مرحله نخست تحقیق به پایان رسید، کل کلاس گزارشی را ارایه می دهد. از طریق بحث، کلاس می تواند اطلاعات بدست آمده از اینترنت را کامل کند. کلاس می تواند موضوعی از حقوق بشر را انتخاب کند و در این موضوع در انجمن های دانش آموزی بحث هایی را ارایه نماید. دانش آموزان می توانند تمام پاسخ های دریافت شده را بررسی کنند و درباره آن موضوع نتیجه گیری را ارایه نمایند. به دنبال این اقدام، می توان با سایت های جهانی نیز تبادل نظر نمود.

ادبیات:

ادبیات برای ارایه اصول و مفاهیم حقوق بشر بسیار مناسب است. داستان های کوتاه و رمان ها آگاهی جمعی را در خصوص بی عدالتی ها مانند برده داری، کودکان کارگر، تبعیض اعمال شده در خصوص زنان و گروه های خاص را به وجود آورد.

معلمانی می توانند دانش آموزان را تشویق کنند تا مجموعه هایی را بخوانند و موضوعاتی از آنها را برگزینند. همچنین دانش آموزان می توانند ادبیات یک کشور را انتخاب کنند و درباره آن بحث نمایند. از طریق آشنایی با ادبیات جهانی معلمان می توانند به دانش آموزان کمک کنند تا سؤالاتی همچون: چه مسایلی حقوق بشر را تضعیف می کند؟ چه حوادث و رویدادهایی این امر را موجب می شود؟ چه ارزش ها و اصولی می تواند علل این مصائب و بی عدالتی ها را روشن سازد و ما را قادر به مقابله با آن نماید؟ مطرح سازند. پس از بحث، معلم می تواند به طور خلاصه نقش ادبیات را در تغییرات اجتماعی روشن سازد.

زندگی نامه ها نیز فرصت مناسبی برای یادگیری حقوق بشر است. دانش آموزان مفاهیم نژادگرایی و بی عدالتی را درک می کنند.

تاریخ و مطالعات اجتماعی:

تدریس تاریخ می تواند تکامل حقوق بشر را نشان دهد. جنبش های ارتقای

دموکراسی است که در آن تمامی شهروندان قدرت و مسئولیت انجام اعمالی را دارند که به نفع جامعه است. باید معلمان رشد اخلاقی دانش آموزان را در نظر گیرند و زمینه را برای گسترش آن فراهم آورند.

آموزش مدارا و تسامح در مقطع متوسطه

هم در مقطع ابتدایی و هم در مقطع متوسطه معلم باید از نشانگرهای عدم مدارا و تسامح در کلاس درس استفاده کند. این امر به او کمک می کند تا ارزیابی واقع بینانه‌ای نسبت به جو کلاس پیدا کند.

پاسخ به مشکلات عمده عدم مدارا و تسامح در نوجوانان: قلدری (زورگویی)

بنا به گزارش اکثر کشورها، نوجوانان دارای مشکلات مشترکی در خصوص عدم مدارا و تسامح هستند این الگوهای رفتاری مشابه بوده و اکثر معلمان احترام نگذاشتن به شأن و تمامیت دیگران را مشکل جدی چنین دانش آموزانی می دانند.

اشکال عمده عدم مدارا و تسامح به شکل نژادگرایی، جنسیت گرایی، قومیت گرایی در سیاست گذاری ها و قانون گذاری ها ظاهر می شود. بنابراین احترام به شأن و تمامیت افراد هم برای مدارای اجتماعی مطرح است و هم ارزش بنیادی برای اجتماعات انطباق جو و صلح طلب محسوب می شود. قلدری تهدیدی برای مدارا و تسامح در مدارس است و چالشی اخلاقی است که مربیان با آن روبه رو می باشند. باید در زمانی که قلدری بروز پیدا می کند فرصت هایی برای آموزش رشد اخلاقی، مسئولیت های فردی و اجتماعی فراهم نمود. در مؤسسه بین المللی آموزش صلح، خانم هیرو کوسوگیمو دبیر یکی از دبیرستان های ژاپن، الگویی را برای نظارت و جداسازی موارد قلدری مطرح نمود که معمولاً حاکی از بروز آسیب های جسمانی و روان شناختی برای قربانی (در برخی موارد منجر به خودکشی) و آسیب های اخلاقی جبران ناپذیر برای فرد اقدام کننده می باشد.

مشکلات و مسایل: موانع تدریس مدارا و تسامح در دوره متوسطه

در زمانی که اوضاع جهانی بر عدم مدارا و تسامح قرار دارد. آموزش مسایل صلح و مدارا جدی را برای اجتماعات، مدارس، معلمان که به آموزش مشغول اند، به وجود می آورد. این مسایل عمده هستند و منحصر به عوامل اجتماعی و تعلیم و تربیتی نمی باشند.

تمام آموزش های مربوط به صلح، حقوق بشر و مردم سالاری اساساً آموزش ارزشی محسوب می شوند. پیوستار ارزش ها، منبع بالقوه مشکلات برای مربیان هستند زیرا اغلب کسانی که چنین ارزش هایی را دریافت می کنند ممکن است نظام ارزشی خود را در خطر ببینند. معلمان نیاز زیادی به آماده سازی درک و پاسخ دادن مناسب و سازنده به این واکنش ها دارند و باید از روش ها و رویکردهای مناسبی برای مفهوم سازی و تدریس ارزش های اساسی انسانی بهره جویند. آموزش ارزشی مستلزم درگیر شدن کل نظام آموزش و پرورش و اجتماعات مرتبط با آن است.

رهنمودهایی برای اداره و تنظیم آموزش ارزش ها

آموزش ارزش ها مستلزم توجه بیشتر به نحوه اجرای آن در بخش های مختلف در سازمان مدرسه و بین معلمان رشته های مختلف است. این امر حاکی از آن است که هماهنگی و تبادل اثر بخشی مورد نیاز است تا برنامه های آموزش ارزش ها را در مدارس و برای دانش آموزان با اهمیت تر و معنادارتر سازد. توجه به این بحث برای مدیران و معلمان بسیار حائز اهمیت است و می بایست به رهنمودهای زیر توجه نمایند:

رهنمود ۱: آموزش ارزش ها در مدارس باید به وضوح در خط مشی برنامه درسی مدرسه بیان شود و باید هماهنگ با سایر برنامه های آموزش ارزش ها در مدرسه شود.

رهنمود ۲: مقدار معینی از بودجه می بایست به حمایت از اجرای برنامه های آموزش ارزش ها در مدرسه اختصاص داده شود.

رهنمود ۳: بحث های منظم و مستمر و مشورت بین مربیان برنامه های ارزش آموزی باید به ثبت پیشرفت، تعیین مسایل و جستجوی راه حل های مناسب منجر شود.

رهنمود ۴: مربیان آموزش ارزش ها باید تحلیل مستمری از میزان هماهنگی و تناسب ارزش های اساسی در موضوعات درسی مختلف داشته باشند، مسایل را شناسایی کنند و راه حل های مناسب برای مشکلات بیابند و

- اغلب اوقات به اتاق بهداشت می رود و ادعا می کند بیمار است.
- تمایلی به رفتن به مدرسه ندارد.
- به اجبار کتاب یا کیف مدرسه سایر دانش آموزان را حمل می کند.
- مجبور است پیغام دیگران را برساند.
- شبیه به اعضای گروه قلدر، رفتار میکند.

شرایط و موقعیتی که قربانی را در بر گرفته است:

- معمولاً توسط گروه قلدرها محاصره می شود.
- همه یا اکثر همکلاسی ها او را نادیده می گیرند.
- دائماً مسخره و خوار می شود.
- وقتی سر کلاس حرف می زند، مورد تمسخر قرار می گیرد.
- کلمات زشتی را درباره خودش روی تخته سیاه و دیوار می بیند.
- به لحاظ فضایی، مکان میزش طوری در کلاس قرار گرفته که مبین متفاوت و جدا بودن او از کلاس است.
- کتک می خورد.

وضعیت ظاهری و رفتار خصوصی (قربانی)

- وسایلش مکرراً گم می شود، کیف مدرسه اش دور انداخته می شود و کلمات یا تصاویری روی کتابها نوشته و یا کشیده می شود که او را ناراحت می کند.
- اغلب مصدوم و کنار دیوار یا به گوشه ای پرت شده دیده می شود.
- او مقدار زیادی پول را بدون اینکه لزومی داشته باشد، یا خود حمل می کند.
- در بدن او علائم خون مردگی دیده می شود، صورتش رنگ پریده است و حالت چشمانش به خاطر بی خوابی، متورم است.
- صبح ها برای نیامدن به مدرسه، اظهار بیماری می کند.
- در خواب فریاد می زند.
- معمولاً اظهار دلتنگی می کند، گاهی اوقات چشمانش «بی حال» است و از برقراری و تماس چشمی با دیگران اجتناب می کند و گاهی اوقات نیز وانمود به شاد بودن می کند.

مشاهده هر یک از این نشانگرها حاکی از آن است که معلمان نیاز به مشارکت با والدین دارند تا به قربانی کمک کنند و به عامل چنین اقداماتی، اهمیت، وخامت و پیامدهای اقداماتشان را آموزش دهد. معلم می تواند براساس درس هایی که مربوط به تمرین مدارا و تسامح و احترام به دیگران، نشانه های مذکور را معرفی نماید.

در حالی که هر گونه مداخله در محیط مشکل است و مستلزم دقت زیاد است، باید کل کلاس مورد توجه معلم قرار گیرد و صرفاً قربانی مورد بازخواست قرار نگیرد. بسیاری از مدارس جلسات منظمی برای مقابله با چنین مشکلاتی قبل از اینکه این مسایل وخامت یابند، تشکیل می دهند. در چنین مدارسی تمام معلمان و کارکنان حضور دارند تا با همکاری، هماهنگی و حمایت از یکدیگر، مانع از بروز قلدری شوند. در صورتی که چنین مسایلی در مدرسه وجود دارد باید والدین را نیز در این بحث ها شرکت داد. از والدین خواسته می شود تا این مسئله محرمانه باقی بماند و بدان نیز توجه نمایند. هر چند که مدارس هنوز مسئول سلامت جسمانی و اخلاقی دانش آموزان تحت پوشش فرد محسوب می شوند، قلدری و زورگویی می تواند ناشی از پیشداوری ها و تعصبات قومیتی، مذهبی، تفاوت های جسمانی یا سایر ویژگی هایی باشد که فرد را متفاوت از دیگران نشان می دهد.

قلدری گاهی به شکل انفرادی و گاهی به شکل گروهی صورت می گیرد. وجود قلدری حاکی از شکست در پذیرش و انجام مسئولیت های اجتماعی است لازم است به دانش آموزان در درک اینکه قلدری موضوعی اجتماعی است، کمک کرد، تا چگونگی این اعمال را به عنوان جزئی از چرخه عدم مدارا، تسامح و خشونت ببینند. در این چرخه کسی که از این حادثه لذت می برد و آن را سرگرم کننده تلقی می کند و افراد دیگری که از این چرخه خارج اند ممکن است به دلیل اینکه شاهد چنین جریانی هستند متأسف شوند اما ترجیح می دهند در این موقعیت درگیر نشوند. لذا تمام شاگردان کلاس می بایست تحت آموزش در این خصوص قرار گیرند.

به عنوان بخشی از برنامه پیشگیری از قلدری، مطالعه چنین موقعیت هایی به شکل بی عدالتی های اجتماعی واقعی و خدشه دار ساختن حقوق بشر، قابل طرح است. مطالعات موردی تاریخی، ادبیات و فیلم می تواند به عنوان ابزار مفیدی نحوه رشد مسئولیت های اخلاقی را نشان دهد.
معلمان هم صاحب قدرت اند و هم دارای مسئولیت. این مفهوم اساسی

بدین وسیله موجب بهبود اجرای برنامه درسی شوند.

رهنمود ۵: انتخاب و پذیرش راهبردهای تدریس خاص باید دائماً با توجه به میزان اثربخشی راهبردها، مورد نظارت و ارزیابی قرار گیرد.

رهنمود ۶: مربیان آموزش ارزش‌ها باید پاسخ‌های دانش‌آموزان را در خصوص سؤالات مربوط به ارزش‌های معین مورد نظارت و واریسی قرار دهند. این کار برای توضیح ارزش‌های بعدی در فرآیندهای یاددهی-یادگیری بسیار مهم است.

رهنمود ۷: وسایل کمک آموزشی همچون وسایل کمک شنیداری - دیداری و سایر منابع یادگیری باید برای جلسات آموزش ارزش‌ها آماده شوند. این امر از اثر بخشی راهبردهای یادگیری با کار گرفته شده، حمایت می‌کند.

رهنمود ۸: مربیان آموزش ارزش‌ها باید دائماً در حال طراحی و گسترش ابزارهای ارزشیابی مورد نیاز باشند تا بتوانند از آنها در ارزیابی نتایج یادگیری طی، فرآیند آموزش ارزش‌ها استفاده کنند.

رهنمود ۹: گزارش جمعی از اجرای برنامه‌های آموزش ارزش‌ها می‌بایست هر ترم آماده شده و به مدیر مدرسه جهت مرور و ارزشیابی ارایه شود. این مرور و ارزشیابی برای اصلاح سیاست‌ها، ضروری است.

منبع: محمد فکری گافار^۱، اجرای نمونه اولیه برنامه درسی ارزش‌های اصلی به منظور افزایش درک بین‌المللی، مشارکت و صلح، بانکوک، یونسکو، اداره منطقه آسیا و اقیانوسیه ۱۹۹۵.

برخی از فعالیت‌هایی که می‌توان برای افزایش درک دانش‌آموزان از حقوق بشر در کلاس درس انجام داد (به نقل از کتاب تمام بشر، یونسکو ۱۹۹۸):

شکیبایی و صلح در ارتباط‌های بین قومی:

گروه هدف: دانش‌آموزان ۷ تا ۱۸ سال

۱۵ دقیقه برای دانش‌آموزان سنین ۶ تا ۹ سال

یک ساعت برای دانش‌آموزان ۹ تا ۱۸ سال

هدف‌ها:

کودکان قادر به:

- درک و فهم معنای مفهوم شکیبایی می‌شوند.

- تغییر دیدگاه خود نسبت به حفظ صلح در روابط بین قومی می‌شوند.

مواد:

- تصاویر و عکس‌های مربوط به شرایط تعارض آمیز

- متون یا موارد مرتبط به قراردادهای بین‌المللی و ناحیه‌ای

روش:

بیان اینکه امروزه جنگ و تعارضات بین قومی وجود دارد:

- نگاه به تصاویر، عکس‌ها و نوارهای ویدیویی که افراد مجروح یا پناهندگان

اردوگاه‌ها را نشان می‌دهد.

- تحلیل محیط و علل آن: چه کسی هزینه جنگ را تأمین می‌کند و چرا؟

- درباره نتایج فکر کنید. انسان‌ها زندگی‌شان را از دست می‌دهند، اموال و

درائی‌ها از بین می‌رود، مدارس تعطیل شده و قحطی می‌شود.

- درباره دلایل احتمالی نزاع افراد و شیوه‌های اجتناب از تعارضات و

اختلافات بین قومی فکر کنید.

- در آخر بر اهمیت شکیبایی و پذیرش دیگران در هر قومیتی تأکید شود.

منبع:

Dakar and ouagadougou semianr of the comite syndical Francophone de .l Education etde la Formation

حق حفاظت از قانون:

گروه هدف: کودکان ۱۰ سال و به بالا

هدف‌ها:

کودکان اهمیت قانون را درک می‌کنند و این حقیقت را دریابند که بسیاری

از مسایل را می‌توان از طریق دلایل شفاهی و قانون حل نمود بدون اینکه از

کنتک کاری و خشونت فیزیکی استفاده شود، زندگی در جوامع منظم می‌شود.

- دانش‌آموزان آگاه می‌شوند که همگان تحت حمایت قانون قرار دارند.

مواد:

کاغذ، مواد، تخته سیاه

روش:

از دانش‌آموزان بخواهید جملات زیر را تکمیل کنند:

- ۱- من هستم .
(اسم خود را به همراه ویژگی‌های فردی‌شان بنویسند).
- ۲- من هستم .
(ملیت و قومیت خود را به اضافه ویژگی‌های گروه وابسته به آن بنویسند).
- ۳- من انسانی هستم که
(چیزهایی را به عنوان عضوی از خانواده بشر با ویژگی‌های مشترک با همه آنها می‌دانند، بنویسید).
- سپس دانش‌آموزان پاسخ‌هایشان را برای یکدیگر بخوانند و آنها در گروه‌های پنج یا شش نفره مورد بحث قرار دهند.
- از کلاس بخواهید پاسخ‌ها را با هم مقایسه کنند و آنها را طبقه بندی نمایند. اهمیت زیاد جواب‌های مربوط به سوال ۳ را خاطر نشان سازید.

منبع یونیسف:

At : [Http://www.unicef.org](http://www.unicef.org)

سایر فعالیت‌ها:

برای دانش‌آموزان متوسطه ۱۵ سال و به بالا، مطالعات موردی سازماندهی کنید.

- گزارش‌های موردی را از رسانه‌ها انتخاب کنید که در آن زنان و کودکان تحت حمایت قرار ندارند و آنها را مورد بحث قرار دهید.

- نشان دهید که وقتی به رسمیت شناختن حق تحت حمایت قانون بودن فردی، انکار می‌شود، حقوق سایر انسان‌ها نیز خدشه دار می‌شود.

برابری:

گروه هدف: دانش‌آموزان ۹ تا ۱۵ سال.

مواد:

چند ورق کاغذی

روش:

تبادلات بین‌المللی را بین دانش‌آموزان یک کلاس با کودکان همتای خود سازماندهی کنید.

- پس از گذشت چند ماه از تبادل نامه‌های تمام کلاس، دوستان مکاتبه‌ای هر دانش‌آموز را بیابید.

- در صورتی که دانش‌آموزی برای خواندن نامه نیاز به کمک داشت احترام زیادی برای محرمانه بودن نامه‌های فردی دانش‌آموزان قابل شوید.

- تفاوت‌های بین برابری جمعی و برابری بین افراد را نشان دهید و لزوم محرمانه ماندن مسایل آنان را خاطر نشان سازید.

منبع:

Redagogie Freinet, Fracne

منابع:

- The . (1998) All human beings ; A manual for human right education teacher's library, unesco publishing
- Globalization, Humman rights and education (1999). Jacques Hallak .International institute for educational planning
- Education for International. (1996) Lucie -Mammi Noor Nkake Understanding :An Idea Gaining Ground .International Bureau of Education. .Published by Unesco:IBE
- Tolerance-the Thershold of Peace.Primary. (1997)Batty,A.Reardon Tholerance. (1997)-school resource unit.Unesco Publishing.Betty,A.Reardon -The Thershold of Peace.Secondary-School Resource Unite. Unesco Tholerance-Thershold of Peace.Teacher.(1997)Publishing. Batty,A.Reardon -Training Resource Unite.Unesco Publishing

پی‌نوشت

- 1.Lucie -Mami Noor Nkake
2. Self- development
- 3.Human globalization
- 1990.4 Jacques Hallak
5. Environmental Education
6. Jack buckland
7. Edory jones
8. Yawovn dunken
- 9.Mohmd Fakri -Gfager